**ترجمه تفسير الميزان    ج‏3    331**

[وعده نيكو به پيروان حقيقى (قولى و عملى) عيسى (ع)]

اين آيه وعده خوشى است به جزاء خير، براى كسانى كه از آن جناب پيروى كردند، اما از آنجايى كه صرف صدق تحقق عرفى كلمه" شيعه، تابع و امثال آن" بر امتى كه تشيع و اتباع واقعى از بعضى افراد آن امت تحقق يافته، باعث آن نمى‏شود كه همه افراد آن امت حتى كسانى كه تشيع و دنبال روى پيغمبر را نداشته‏اند، مستحق ثواب جزيل بگردند، بلكه تنها كسانى اين استحقاق را دارند كه واقعا تابع و شيعه باشند، نه همه كسانى كه اسم شيعه و تابع بر آنان صادق است، لذا در آيه شريفه، عنوان‏" الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ" كه خلاصه‏اش عنوان شيعه يا تابع يا كلماتى از اين قبيل است، را برداشته، به جايش عنوان‏" الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ" را گذاشت تا معنا درست و بى‏اشكال شود، چون سعادت و عاقبت خير، دائر مدار شناسنامه و اسم‏گذارى نيست بلكه دائر مدار حقيقت است، هم چنان كه در جاى ديگر فرموده:" إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هادُوا وَ النَّصارى‏ وَ الصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صالِحاً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ"[[1]](#footnote-1).

پس از ميان پيروان (اسمى و شناسنامه‏اى) عيسى ع تنها آنهايى كه به خدا ايمان دارند و اعمال صالح مى‏كنند، خدا اجرشان را بطور كامل مى‏دهد و اما بقيه را، از اين نمد كلاهى نيست. و در آيه مورد بحث اين حقيقت را بطور اشاره بيان كرده و فرموده:" وَ اللَّهُ لا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ"، خدا هيچ ستمگرى را دوست نمى‏دارد، حال هر اسمى و عنوانى كه مى‏خواهد داشته باشد.

ترجمه تفسير الميزان، ج‏3، ص: 332

امر خاتمه دادن آيه (با اينكه آيه رحمت و جنت است) با عبارت:" وَ اللَّهُ لا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ" كه نوعى تهديد است از اينجا روشن مى‏شود كه معهود در آيات رحمت و نعمت، اين است كه به اسمايى نظير رحمت و مغفرت و يا مدح آن اشخاصى كه آيه در شانشان نازل شده ختم گردد، مثلا مى‏بينيم آيه:" وَ كُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنى‏"، با جمله:" وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ"[[2]](#footnote-2) ختم شده و آيه:" إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً يُضاعِفْهُ لَكُمْ" با دو جمله:" وَ يَغْفِرْ لَكُمْ" و" وَ اللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ"[[3]](#footnote-3) ختم شده و آيه:" وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَ يَعْمَلْ صالِحاً يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئاتِهِ وَ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدِينَ فِيها أَبَداً" با جمله:" ذلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ"[[4]](#footnote-4)، ختم گرديد و آيه:" فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ" با جمله:" ذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ"[[5]](#footnote-5) ختم شده. و از اين قبيل آيات ديگر.

و گفتيم سرش اين است كه آنهايى كه عنوان پيروى و تشيع عيسى ع را به خود گرفته‏اند دو طايفه‏اند: يكى آنهايى كه به نامگذارى اكتفاء ننموده واقعا آن جناب را پيروى كرده و مى‏كنند كه صدر آيه مورد بحث بيانگر حال آنان بود، طايفه ديگر كسانى هستند كه به همان نامگذارى اكتفاء كردند، خود را منسوب به عيسى و معنون به عنوان" پيرو عيسى" نمودند، اما نه به خدا و روز جزا ايمان داشتند و نه اعمال صالح به جا آوردند كه جمله مورد بحث بيانگر حال ايشان است.

" ذلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآياتِ وَ الذِّكْرِ الْحَكِيمِ" اين آيه شريفه خاتمه داستان عيسى ع را اعلام مى‏كند و منظور از" ذكر حكيم" قرآن است كه ذكر خدا است و از حيث آيات و بياناتش محكم است، يعنى به هيچ وجه باطل در آن رخنه نمى‏كند و شوخى با جدش آميخته نمى‏گردد.

" إِنَّ مَثَلَ عِيسى‏ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ، ثُمَّ قالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ" اين آيه شريفه هدف اصلى از ذكر داستان عيسى ع را بطور خلاصه بيان مى‏كند و در حقيقت اجمالى است بعد از تفصيل، و اين كار (يعنى خلاصه‏گيرى از گفتار، مخصوصا آنجا كه پاى احتجاج در بين باشد) از مزاياى كلام شمرده مى‏شود و آيات اين داستان هم به همين منظور يعنى به منظور احتجاج نازل شده و مى‏خواهد وضع نصاراى نجران را كه در

ترجمه تفسير الميزان، ج‏3، ص: 333

آن ايام به مدينه آمده بودند، روشن سازد. و به همين جهت جاى آن بود كه بعد از ذكر سرگذشت عيسى ع خلاصه‏اى از آن را به عنوان نتيجه‏گيرى ذكر نموده و بفهماند كه كيفيت ولادت عيسى بيش از اين دلالت ندارد كه وى بشرى است نظير آدم ابو البشر و خلقتش غير معمولى است پس جايز نيست در باره وى سخنى زائد بر آنچه در باره آدم گفته مى‏شود، بيان گردد.

در باره آدم مى‏گوئيم: او انسانى است كه خداى تعالى او را بدون پدر و مادر آفريده است، و در باره عيسى ع هم مى‏گوئيم: انسانى است كه خداى تعالى او را بدون پدر آفريده. پس معناى آيه اين است كه: مثل عيسى نزد خدا و صفت و واقعيتى كه او نزد خدا دارد و يا به عبارتى آنچه خود خداى تعالى (آفريدگار وى به دست خود) از خلقت او اطلاع دارد، اين است كه كيفيت خلقت او شبيه به خلقت آدم است و كيفيت خلقت آدم اين بوده كه اجزايى از خاك جمع كرد و سپس به آن فرمان داد كه" باش" و آن خاك به صورت و سيرت يك بشر تمام عيار، تكون يافت، بدون اينكه از پدرى متولد شده باشد.

پس از اين بيان به حسب حقيقت، دو حجت و دليل باز مى‏شود كه تك تك آن دو براى نفى الوهيت عيسى ع كافى است.[[6]](#footnote-6)

1. ( 1) كسانى كه نام يهودى، نصرانى و صابئى بر خود نهاده‏اند، بدانند كه" واقع" دائر مدار نامگذارى نيست، هر كس به خدا و روز جزا ايمان داشته باشد و در مقام عمل هم اعمال صالح بجا آورد اجرشان نزد پروردگارشان است و خوفى بر آنان نيست، اندوهى هم نخواهند داشت." سوره بقره، آيه 62". [↑](#footnote-ref-1)
2. ( 1)" سوره حديد، آيه 10". [↑](#footnote-ref-2)
3. ( 2) سوره تغابن، آيه 17". [↑](#footnote-ref-3)
4. ( 3)" سوره تغابن، آيه 9". [↑](#footnote-ref-4)
5. ( 4)" سوره جاثيه، آيه 30". [↑](#footnote-ref-5)
6. طباطبايى، محمدحسين، ترجمه تفسير الميزان، 20جلد، جامعه مدرسين حوزه علميه قم، دفتر انتشارات اسلامى - ايران - قم، چاپ: 5، 1374 ه.ش. [↑](#footnote-ref-6)